

در فقدان آرامش ناآرام‌ترین منطقه جهان

مهدی شفیعی

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران



حالا که یکسال از آن بامداد گذشت، از صبح سیزدهمین روز دی ماهی که جهان در بهت حمله راکتی به فرودگاه بغداد فرورفت، از خبری که می‌گفت فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در سال‌های جنگ، سازمان‌دهنده نیروهای حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه لبنان و فرمانده نیروی قدس سپاه در ۶۳ سالگی به شهادت رسید، گویاتر می‌توان به روح بلند و تنفذ سردار شهید

حاج قاسم سلیمانی پی برد؛ سرداری که فروتنانه خود را سرباز وطن نامیده بود و در همه این سال‌ها برای آرامش ناآرام‌ترین منطقه جهان کوشید.

حالا که یکسال از آن جنایت گذشت، آمر آن به آمریت خود اعتراف کرد، بر نظام حقوقی بین‌المللی لکه سیاهی گذاشت و با سرافکندگی در وضعیتی عبرت‌آموز برای همه صاحبان قدرت در حال ترک جایگاه خویش است.

حالا که یکسال از شهادت آن مرد مخلص گذشت، به مرور حساسیت‌های مربوط به رعایت قواعد امنیتی کمتر شده و از رشادتها و توانایی‌ها و هوشمندی‌های آن سردار علی‌الخصوص در سال‌های اخیر و در نبرد با تکفیری‌های منطقه بیشتر می‌خوانیم، می‌بینیم و می‌شنویم و تأسف و حسرت‌مان از نبودش بیشتر و بیشتر می‌شود.

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی فرزند ۸ساله مقاومت در جنگ تحمیلی عراق بر ایران است. جنگی که در آن دست‌های پلید و پنهان به امید فروش تسلیحات و غارت منابع سرزمینی و ایفای نقش کدخدایی در خاورمیانه بوده و برای دستیابی به آن از یکدیگر سبقت می‌گرفتند.

حضور در این عرصه، از سردار ایرانی نابغه‌ای نظامی و نخبه‌ای ضد تروریسم خلق کرده بود. اشراف اطلاعاتی و نقش هدایتگر نظامی و رویکردهای امنیت آفرین قاسم سلیمانی، دلیلی می‌توانست باشد که تمام توان ارتباطی، جاسوسی و عملیاتی حاضر در منطقه بر ترور او تمرکز کنند و کوشیدند تصویری واژگونه از کهنه سربازی که به صلح و صلاح منطقه می‌اندیشید، بیافرینند.

رؤیای باطلی که ناکام ماند و از قاسم، «قاصم الجبارین» ساخت. او به منجی محبوب مردمانی بدل شد که با دیدنش دست به سینه می‌گذاشتند و در شهادتش دست به سر می‌گرفتند.

اما آنچه از سردار حاج قاسم می‌تواند بیش از پیش و در نبودش به‌عنوان یادگارش به کار امروز جامعه ما بیاید، منش اوست. مدرسه سلیمانی، نه مدرسه جنگ که مدرسه خدمت و خلوص بود. آن مرد مخلص رویکردی را پیش گرفته بود که در سایه توانمندی‌ها و هوشمندی‌های نظامی‌اش در زمان حیات به‌عنوان مرد میدان صلح و آرامش در خارج و مدارا و اتحاد در داخل شناخته شد. رویکردی مبنی بر همگرایی نسل‌های مختلف با سلاقی متفاوت در جامعه متکثر امروز ایران. این رویکرد نشان‌دهنده دیگری از هوشمندی مبتنی بر اخلاص او بود. هم او بود که جوانان این کشور را فرزندان یک خانواده می‌دید، که اختلاف دارند و متفاوتند با هم. اما هرچه هستند، فرزندان خانواده هستند، فرزندان ما هستند. چه باشکوه؛ این نگاه مردی است که لباس رزم بر تن داشت، که سلاح در دست داشت. او این چنین بود. نگاهش عمیق بود و پرمهر. او یادگاری از شهدای هشت سال دفاع مقدس بود که مخلصانه و فروتنانه جان در کف گذاشتند برای دفاع از مام میهن؛ از چهارگوشه این مرز پرگهر، از مردمانی که شاید چون او نمی‌اندیشیدند و نمی‌زیستند، اما این شهیدان خود را برای آرامش و آسایش آنان و نسل‌های بعدی‌شان فدا کردند. نسل جوانی که همت و باکری و خیرازی و زین‌الدین و... را ندیده بود اما آنان را در وجود پاک و بی‌آلایش سردار سلیمانی درک کرد.

چه مهم‌تر از چنین نگاهی و چه ضروری‌تر از چنین افقی برای امروز ما. برای ایران ما که بیشتر از همه وقت، نیاز داریم به با هم بودن و همدل بودن برای گذار از این ایام سخت.

امیر معرفت

دکتر محمد مسجدجامعی

سفیر سابق ایران در واتیکان
و عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب



سردار سلیمانی بی‌اغراق شخصیت برجسته نظامی تاریخ معاصر ما است. ایشان با نبوغ نظامی خود خدمات بسیاری برای ایران و ایرانی داشتند. به این اعتبار، همه ما، دین بزرگی به او داریم و حق بسیاری بر گردن ما است.

ایشان را می‌توان مبتکر «جنگ‌های غیرمتقارن» برشمرد. جنگ‌های غیرمتقارن به این معنا است که دو طرف جنگ نیرو و

توان نظامی‌شان کاملاً متفاوت است. به‌عنوان مثال، در حالی که داعش به قوی‌ترین حد تجهیزات نظامی و اطلاعاتی مجهز بود اما سپاه سردار سلیمانی بدون این سطح از تجهیزات، توان «مقاومت» بلکه «پیروزی» را در برابر آنان داشت. این توانایی سردار سلیمانی مورد اتفاق دوست و دشمن او بود و ویژگی‌ای نبود که به چشم جهانیان نیاید. گواه این ادعا، ذکر این خاطره است که برای کنفرانسی به کره جنوبی رفته بودم، با اینکه کره‌ای‌ها به اندازه اروپایی‌ها، منطقه ما را نمی‌شناسند، همگی نسبت به این نوع برجستگی نظامی ایشان معترف بودند.

من خود به‌طور میدانی شاهد بودم که بعد از وارد شدن داعش در عراق، ایشان در سطح منطقه‌ای و جهانی بسیار معروف شدند. با کسانی برخورد داشتم که اغلب اروپایی و از استادان ژئوپلیتیک و تحولات منطقه‌ای بودند و نسبت به ویژگی‌های ایشان به لحاظ نظامی بسیار اعجاب داشتند.

سردار سلیمانی در سطح رسانه‌های منطقه‌ای بویژه رسانه‌های عربی شناخته‌شده‌ترین ژنرال بودند. بی‌شک در آینده هم این توانایی و جایگاه برای ایشان محفوظ خواهد ماند. به این معنا که یکی از نخبه‌ترین و برجسته‌ترین شخصیت‌های نظامی کل منطقه در تاریخ آینده، بی‌شک شهید سلیمانی خواهد بود.

در نگاه شاهدان بین‌المللی، سردار سلیمانی از ژنرال «سعد شاذلی» هم مهم‌تر و ویژگی‌های نظامی و شخصیتی برجسته‌تری داشتند. سعد شاذلی که ژنرالی مصری بود در زمان جنگ اعراب و اسرائیل ریاست ستاد مشترک ارتش مصر را برعهده داشت و حمله موفقیت‌آمیز مصر در سال ۱۹۷۳ به «دژ بارلو» در شرق کانال سوئز را طراحی کرد. وی حدود سه سال ارتش مصر را برای تصرف این دژ مستحکم دفاعی تعلیم داد. اما در مقام مقایسه، سردار شهید ما، در سطح منطقه، فردی توانمندتر و شناخته‌شده‌تر است؛ حتی کشورهایی که حامی داعش هستند به اهمیت عملیات، ویژگی‌های شخصیتی و تأثیرگذاری ایشان معترف‌اند و نمی‌توانند ایشان و فعالیت‌هایش را نادیده بگیرند.

متخصصانی هم که من می‌شناسم و در کنفرانس‌ها و در گفت‌وگوهای علمی با آنان در ارتباط هستم، با تعجب و حیرانی از طراحی و مقاومتی که او در عراق موجب شد با تحسین و تمجید یاد می‌کنند. به این اعتبار، می‌توان گفت سردار سلیمانی تنها نزد ایرانیان شأن و احترام ویژه‌ای ندارد بلکه اغلب آگاهان به دانش نظامی و منطقه‌ای، سطح و جایگاه ویژه‌ای برای ایشان قائل هستند.

اینکه ایشان یک شخصیت مهم منطقه‌ای و به لحاظ نظامی شخصیت شناخته‌شده بین‌المللی در بین متخصصان بود، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. امیدوارم این ابعاد شخصیتی ایشان مغفول نماند و کتاب‌ها و مستندهای درخوری درباره ایشان تدوین و ساخته شود تا برای تاریخ و برای آیندگان به یادگار بماند.

ایران

وبسره
اولین
سالگرد
شهادت
عقده

۴

دی ماه
۱۳۹۹